



سید عبدالله پور
کارشناس اقتصاد

حقوق کارگران و تعیین حداقل دستمزد این کشور، جزو مسائل اساسی حوزه کار است.

طی چند سال اخیر نیز این موضوع همواره در میان سیاست‌گذاران حوزه‌های کار و نهادهای کارگری مطرح بوده است؛ البته این چالش محدود به چند سال اخیر نیست و وضعیت کار، حقوق کارگر و روابط متقابل کارگر و کارفرما سال‌ها محل اختلاف کارشناسان مختلف بوده و هست.

حقیقت این است که با جهش‌های مکرر نرخ ارز در چند سال گذشته، کشور عملاً با عدم تعادلی در این حوزه مواجه و این موضوع باعث شد نیروی کار ارزان‌قیمت در ایران به یکی از مشخصه‌های بازار کار ایران بدل شود.

در این فرآیند میزان دستمزد به نسبت کشورهای دیگر کاهش یافت به طوری که در حال حاضر در جایگاه چند کشور اول دنیا در نرخ پایین دستمزد قرار گرفته‌ایم. میزان دستمزد در کشور حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار است که در کمتر کشوری حقوق کارگران تا این حد است.

اگرچه ریشه این کاهش دستمزد را باید در سیاست‌های کلان‌تهدایی مثل بانک مرکزی جست‌وجو کرد، در عین حال می‌توان از ویژگی این نیروی کار بسیار ارزان‌قیمت در مواردی مانند تولید مشترک با سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یک مزیت استفاده کرد.

البته تعیین حداقل دستمزد کارگران، موضوعی متفاوت از نیروی کار ارزان در منطقه است.

به نظر می‌رسد امروز تامین معیشت طبقه کارگر که جزو دغدغه‌های اصلی اقتصادی کشور نیز به شمار می‌رود، موضوعاتی مانند تعیین حداقل دستمزد را مطرح می‌کند و در این باره نهادهایی مانند سازمان تامین اجتماعی و وزارت رفاه هستند که با تکمیل بانک اطلاعاتی خود و شناسایی و ساماندهی کارگران، به‌ویژه کارگران فصلی می‌توانند گام مؤثری در این مسیر بردارند.

کارگران کارگاهی با وجود برخورداری از بیمه و حق اولاد و حق مسکن گرچه به‌طور حداقلی اما طبق قانون شرایط مطلوب‌تری نسبت به کارگران فصلی و کشاورزی دارند؛ بنابراین با تکیه بر این اطلاعات می‌توان بسته‌های معیشتی برای آنها در نظر گرفت.

در زمینه تعیین حداقل دستمزد کارگران در کشور همچنان اختلاف‌نظر وجود دارد و از دو دیدگاه می‌توان این موضوع را مورد نقد و بررسی قرار داد زیرا یک گروه که اغلب حامی حقوق کارگران هستند معتقدند لازم است حداقل دستمزد برای کارگران تعیین شود و میزان آن نیز باید متناسب با شرایط اقتصادی و معیشتی باشد. اما در مقابل، گروهی دیگر معتقدند اگر قرار باشد حقوق کارگر به این شکل تعیین شود، کارفرما مجبور به تعدیل نیرو خواهد بود. این موضوع خود باعث افزایش بیکاری و پیامدهای آن در کشور می‌شود.

البته در کنار این دو دیدگاه، عده‌ای نیز معتقدند دستمزد می‌تواند تابع قانون کار نباشد و به صورت توافقی بین کارفرما و کارگر تعیین شود که با این روش میزان بیکاری را نیز کاهش خواهد داد. از نظر این گروه، نفس مشغول به کار شدن ارزشمندتر از میزان دستمزد کارگر است و این موضوع را بنا بر نظر گرفتن تفاوت دستمزد در نقاط مختلف کشور مطرح می‌کنند.

با توجه به شرایط موجود شاید بهتر باشد نهادهایی مانند وزارت رفاه در مسائل معیشتی به صورت ترکیبی عمل کند. اما درباره میزان دستمزد روش توافقی و حداقل‌های وزارت کار تعیین‌کننده باشد؛ البته باید به این موضوع نیز اشاره کرد که قانون کار در مسائل کارگری و کارفرمایی نیز نیاز به بازنگری‌هایی دارد.

در نهایت اگر قرار است کاری در حوزه حقوق کارگری انجام شود بهتر است در گام نخست نیازسنجی منطقی و مطلوبی از حداقل‌های معیشتی طبقه کارگر و واقعیت‌های بازار صورت گیرد.

بازار و اصناف

بررسی دیدگاه‌های دست‌اندرکاران اصناف درباره افزایش دستمزد

دست صنوف زیر سنگ است



عکس: امین‌الله

نباید از صاحبان کسب‌وکاری که نمی‌توانند حتی حضور حداقلی خود در بازار اصناف را حفظ کنند و مجبور به تعطیل کردن واحد می‌شوند، انتظار داشته باشیم برای حفظ نیروهای کار اقدام مؤثری انجام دهند



هستند و برای حرکت دادن هر یک از آنها باید به باقی حلقه‌ها نیز توجه کرد. ابراهیمی‌نیا گفت: هم‌اکنون هم کارفرماها در بسیاری از واحدهای تولیدی برای اینکه بتوانند کارگران و استادکاران را در واحد صنعتی خود نگه دارند، مبالغی بیشتر از حدود تعیین شده دولت را به آنها می‌پردازند اما این نحوه روشن نگه داشتن چرخ واحدهای صنعتی نیز نمی‌تواند برای مدت طولانی ادامه پیدا کند زیرا همان‌طور که گفته شد توان اقتصادی صاحبان کسب‌وکار نیز محدود است.

نایب‌رئیس اتاق اصناف تهران تصریح کرد: کار کارفرما و تولیدکننده تولید است و نباید دغدغه‌ای جز این داشته باشد. تامین حداقل‌های دستمزد و معیشت کارگران برعهده دولت و برنامه‌ریزی‌های مناسب و متناسب دولتمردان است تا با راهکارهای مناسب بسترهای فراهم کردن حداقل‌های زندگی را برای مردم آماده کنند.

ابراهیمی‌نیا در پایان گفت: اگر دولت وظایف خود را نسبت به تراز دریاقتی حداقلی یک نیروی کار انجام دهد تا حداقل‌های زندگی را داشته و امکان ارتقای آن را نیز داشته باشد، کارفرما و تولیدکننده کفاف فرام کردن حداقل‌های زندگی را برای مردم آماده انجام دهد و در نتیجه ثروت ملی افزوده می‌شود.

اما در غیر این صورت همواره همین آش و همین کاسه خواهد بود که کارگر، کارفرما و دولت همه از شرایط ناراضی خواهند بود.

رئیس اتاق اصناف اسلامشهر در این زمینه اضافه کرد: بدون شک حداقل حقوق کارگران در کشور، امروز دیگر معیشت را نمی‌دهد اما و افزایش میزان دستمزد این قشر به میزان قابل قبول حتما باید در دستور کار دولت و نهادهای ذیربط قرار گیرد اما نباید از مشکلات دیگر در این حوزه نیز غافل باشیم.

بسیاری از واحدهای صنعتی امروز نمی‌توانند افزایش دستمزد کارگران و نیروهای متخصص خود را تاب بیاورند و محکوم به تعطیلی هستند. مهرپویان طرانی در پایان گفت: آنچه به‌عنوان افزایش دستمزد کارگران شاغل در واحدهای صنعتی که حق آنها نیز هست انتظار داریم، نمی‌تواند بدون حمایت دولت و نهادهای بالادست حاصل شود؛ بنابراین برای رسیدن به شرایط مطلوب باید در ابتدا به رونق اقتصاد نگاه‌های اقتصادی و حمایت از آنها پرداخت زیرا در غیر این صورت افزایش حتی حداقلی دستمزد می‌تواند به توقف کامل فعالیت واحدهای صنعتی بینجامد.

هیچ کس راضی نیست

پله پایین‌تر از تورم در حرکت خواهد بود و این مشکل هر سال در بخش‌های مختلف تکرار خواهد شد.

ابراهیمی‌نیا درباره معایب افزایش دستمزد به شکل صنف‌محور نیز یادآور شد: این افزایش چند درصدی حقوق و دستمزد اگرچه برای کارفرمایان دشوار است اما گرهی از مشکلات کارگران نیز باز نمی‌کند. کارگری که حتی با این افزایش دستمزد قادر به تامین معیشت و اقتصاد اولیه زندگی خود نیست، چه انگیزه‌ای برای ادامه کار در واحد صنعتی دارد؟ بنابراین در مدت کوتاهی به شکل قابل ملاحظه‌ای به میزان تخلفات و بزه افزوده می‌شود. وقتی اجاره خانه دو برابر می‌شود دستمزد ۲۰ درصد افزایش می‌یابد، آیا می‌توان انتظار رضایت از کارگر داشت؟

وی تأکید کرد: از طرف دیگر باید به این موضوع توجه داشته باشیم که کارفرما نیز در همین جامعه در حال ارتزاق است و او نیز به شکل‌های مختلف زیر فشار است؛ بنابراین چون چرخ تولید او به‌خوبی نمی‌چرخد و سوددهی دلخواه را ندارد، نمی‌تواند دستمزد دلخواه کارگر خود را تامین کند.

واقع اگر قرار است به رفاه اجتماعی در حوزه معیشت برسیم، باید این کار را به شکل ریشه‌ای انجام و تولید کشور را رونق دهیم و گرنه با این‌گونه آرام‌بخش‌های موضعی و کم‌اثر کاری از پیش نخواهد رفت و ما هر سال در همین ایام باید غصه دستمزد کارگران را داشته باشیم.

در حقیقت معیشت و دستمزد در کشور ما زنجیره‌ای است که حلقه‌های آن در ارتباط با هم

کامل دستمزد کارگر را افزایش می‌دهد و در عین حال کارگر نیز با توجه به تخصصی که دارد صاحب موقعیت شغلی می‌شود.

ابراهیمی‌نیا درباره دیگر مزایای این نوع تعیین دستمزد، یادآور شد: در این صورت، کارگران تلاش بیشتری برای کسب دانش تخصصی خواهند داشت و شاهد روزآمد شدن صنوف در حوزه‌های مختلف خواهیم بود.

وی همچنین درباره مزایای کلان نگاه تخصص‌محور در پرداخت دستمزد تأکید کرد: افزایش دانش تخصصی در حوزه‌های مختلف باعث بهره‌وری در کار و صرفه‌جویی در منابع می‌شود.

به این ترتیب اقتصاد کشور از دیدگاه کلان نیز به‌عنوان ثروت ملی مطرح شود.

نایب‌رئیس اتاق اصناف تهران در این زمینه تصریح کرد: گشایش در کسب‌وکارها زمانی ایجاد خواهد شد که معیار استخدام کارگر، تخصص و درجه علمی گسترده‌تر وی باشد. خوشبختانه افزایش دانش حرفه‌ای در این زمینه از راه‌های مختلف مثل وزارت کار، اصناف و ۱۳۵ اتحادیه صنعتی در تهران امکان‌پذیر است و باید به این موضوع دقت بیشتری داشته باشیم.

وی در ادامه تأکید کرد: از آن سو نیز تعیین دستمزد براساس کار تعریف شده در صنف، کارگران این واحدها را نیز ناراضی نگه می‌دارد؛ چون روزنه‌های ارتقای شغلی برای آنها را نیز مسدود می‌کند و همواره دستمزد آنها چند

خسرو ابراهیمی‌نیا، نایب‌رئیس اتاق اصناف تهران در گفت‌وگو با **سمن** درباره نحوه تعیین دستمزد کارگران اصناف عنوان کرد: با توجه به شرایط موجود در فضای کسب‌وکار در کشور تعیین دستمزد به شکلی که امروز به اجرا درمی‌آید، مانند نوشتن یک نسخه واحد برای تمام بیماری‌هاست و طبیعی است نمی‌توان انتظار داشت راهکاری تا این حد کلی بتواند گرهی از مشکلات کارگر و کارفرما باز کند.

ابراهیمی‌نیا با گلاویه از حداقل دستمزد تعیین‌شده برای کارگران گفت: وقتی کف نرخ تبدیل به یک عدد واحد می‌شود، کارفرما موظف است براساس قانون این مبلغ را بپردازد اما می‌بینیم به دلیل بی‌توجهی به نکات اساسی، دست آخر نه کارفرما از پرداخت این دستمزد راضی است، نه کارگر، نه کار به آن شکل که مورد انتظار است پیش می‌رود و نه بازه مناسبی به دست می‌آید.

وی در توضیح این مطلب خاطر نشان کرد: وقتی برای کارگر بدون در نظر گرفتن بازه کاری دستمزد تعریف می‌شود، او می‌تواند بدون برآورده کردن انتظارات کاری و بدون تلاش برای روزآمد کردن دانش و تخصص خود همچنان حقوق دریافت کند. در نهایت نیز حتی در صورت اخراج به دنبال مطالبات خود از طریق بیمه بیکاری می‌رود.

نایب‌رئیس اتاق اصناف تهران تأکید کرد: انتظار اهالی اصناف از تصمیم‌گیران در این زمینه این است که تعیین دستمزد را به جای صنف‌محور، تخصص‌محور کنند تا تخصص کاری در اولویت قرار گیرد. در این صورت اگر کارفرما و کارگر برای انجام امور از نظر کیفی به توافق برسند، کارفرما با رضایت

سخن پایانی

زده‌اند و در حال حاضر بنیه کافی برای ادامه این مسیر را ندارند. بنابراین شایسته است دولت در این بخش تدبیر مناسبی بیندیشد تا بیرون آمدن از چاله دستمزد‌های پایین، به افتادن در چاه تعطیلی صنوف و افزایش بیکاری بینجامد.

به حدی است که یک نوسان کوچک می‌تواند به تعطیلی کامل این واحدها بینجامد. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که در نظر داشته باشیم نمایندگان بخش خصوصی در این حوزه دو سال با همه‌گیری ویروس کرونا و بدون حمایت‌های دولتی، برای بقا دست و پا

با توجه به آنچه گفته شد، مشخص است که دست‌اندرکاران حوزه اصناف نیز به‌خوبی از مشکلات دستمزد کارگران مطلع هستند و افزایش متناسب این دستمزد را حق آنها می‌دانند. اما در عین حال بر این نکته نیز تأکید دارند که فشار اقتصادی روی نگاه‌های کوچک و متوسط